

استثناگرایی و سیاست خارجی ایران

علی نظیف پور

www.ketab.ir

نظیف پور علی ۱۳۶۷

استثناگرایی و سیاست خارجی ایران / علی نظیف پور

تهران : نشر کویر ۱۴۰۱ - ۲۴۵ ص

ISBN 978-964-214-356-6

کتابنامه

ایران -- روابط خارجی -- قرن ۱۴

Iran -- Foreign relations -- 20th century

ایران -- سیاست و حکومت -- قرن ۱۴

Iran -- Politics and government -- 20th century

رد بندی کنگره : DSR ۱۶۵۰

رده بندی دیویی : ۳۲۷/۵۵

شماره کتابشناسی ملی : ۸۵۰۶۹۴۸

www.ketab.ir



استثناگرایی و سیاست خارجی ایران

علی نظیف پور

طراح جلد: سعید زاشکائی - امور فنی و صفحه‌آرایی: انتشارات کویر

چاپ و صحافی: غزال؛ شمارگان ۴۰۰؛ چاپ اول ۱۴۰۱

قیمت ۹۹۰۰۰ تومان ISBN: 978-964-214-356-6

نشانی: تهران کریم‌خان زند ابتدای قائم‌مقام فراهانی کوی یکم شماره ۲۰ ساختمان کویر

نمابر: ۰۸۸۳۴۲۶۹۷ • تلفن: ۰۸۸۳۰۱۹۹۲ - ۹ و ۸۸۳۴۲۶۹۸ • کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۱



Kavirbook@gmail.com



KavirPublishingCo



Kavir.Pub

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۹.....	تقدیرنامه
۱۳.....	مقدمه
۳۵.....	بخش اول: مفاهیم
۳۷.....	فصل ۱: استثنائگری چیست؟
۶۱.....	فصل ۲: استثنائگری و ملی گرای ایرانی
۸۳.....	فصل ۳: استثنائگری و گفتمان انقلاب اسلامی
۱۰۳.....	بخش دوم: استثنائگری و گفتمان های سیاست خارجی ایران
۱۰۵.....	فصل ۴: استثنائگری و رویکرد مقاومت
۱۲۱.....	فصل ۵: استثنائگری و رویکرد تنش زدایی
۱۳۹.....	فصل ۶: اهمیت استثنائگری در اختلاف های گفتمانی سیاست خارجی ایران
۱۵۵.....	بخش سوم: نمودهای استثنائگری در سیاست خارجی ایران
۱۵۷.....	فصل ۷: استثنائگری و رابطه ایران و آمریکا
۱۷۵.....	فصل ۸: استثنائگری و رفتار منطقه ای ایران
۱۸۷.....	فصل ۹: استثنائگری و رابطه ایران با نهادهای بین المللی
۲۰۵.....	فصل ۱۰: استثنائگری و برجام
۲۳۳.....	سخن آخر
۲۳۷.....	فهرست منابع

سیاست خارجی ایران در طول تاریخ این کشور با سیاست خارجی دیگر کشورها تفاوت‌های بسیار مشهودی داشته است. البته میزانی از تفاوت بین سیاست خارجی تمام دولت‌ها امری بدیهی است و هیچ دولتی سیاست خارجی کاملاً مشابه با دولتی دیگر ندارد، اما تفاوت‌های سیاست خارجی ایران با دیگر دولت‌ها به نظر می‌رسد که مبنایی تر است و ریشه در گفتمان سیاست خارجی این کشور دارد - یعنی چنین به نظر می‌رسد که این تفاوت‌ها برخاسته از درک متفاوت سران نظام جمهوری اسلامی درباره موقعیت ایران در جهان و از مفاهیمی همچون استقلال و منافع ملی بوده است.

آغاز سیاست خارجی جمهوری اسلامی با گروگان‌گیری در سفارت آمریکا همراه بود، واقعه‌ای که باعث شد ایران به عنوان کشوری متخاصم با جهان غرب و با رفتاری متفاوت از باقی کشورها توسط خود و دیگران تعریف شود. در مراحل بعدی تاریخی مواضع رسمی حکومت جمهوری اسلامی در طول جنگ هشت ساله ایران و عراق نیز بسیار بر این جنبه از گفتمان انقلاب اسلامی تأکید می‌کرد. به طور کلی متن خطبه‌های نماز جمعه، مصاحبه‌ها، و مطالب روزنامه‌های رسمی در دوران جنگ هشت ساله توافق بر سر این دو موضوع در گفتمان را نشان می‌دهد: اولاً فرض پیروزی موعود از طرف خدا و ثانیاً دستیابی به این پیروزی از طریق مقاومت و ادامه جهاد - دو عاملی که در تصمیم‌سازی سیاست خارجی دیگر کشورها مشاهده نمی‌شوند. در عمل نیز جمهوری اسلامی نیز تا مدت زیادی از جنگ به این مواضع پایبند بود، به شکلی که چندین قطعنامه شورای امنیت برای پایان جنگ را رد کرد و با تمام توان خود به جنگ ادامه داد.

پس از پایان جنگ ایران و عراق نیز در مقاطع گوناگون و در هنگام مباحث مهم چنین تفاوت‌هایی در سیاست خارجی ایران مشهود است. به عنوان مثال، رفتار ایران در

قبال ایالات متحده آمریکا نسبت به اکثر کشورهایی که حتی رقبای این دولت محسوب می‌شوند متفاوت بوده است. ایران به شکلی اصولی از مذاکره با آمریکا خودداری کرده است و در این زمینه در مقایسه با بزرگترین دشمنان آمریکا همچون اتحاد جماهیر شوروی یا کره شمالی متفاوت عمل کرده است، و هرگاه که مذاکره در سطح وزرای خارجه یا فروتر اتفاق افتاده است واقعه‌ای تاریخی محسوب شده است. به رغم این که در دوران پس از انقلاب فرصت‌های تاریخی زیادی برای بهبود روابط ایران و آمریکا ایجاد شده بود و دولتمردان زیادی در هر دو طرف برای چنین امری کوشیده بودند (شاخه زیتون بوش پدر^۱ در سخنرانی تحلیف، تلاش دولت هاشمی رفسنجانی برای تنش‌زدایی، تلاش بیل کلینتون^۲ برای ملاقات با محمد خاتمی، پیشنهادهای ایران پس از جنگ آمریکا و افغانستان، تلاشهای دیپلماتیک باراک اوباما^۳، و دوران پس‌ایرجام تا پیش از روی کار آمدن دونالد ترامپ^۴)، اما همواره این تلاش‌ها با شکست روبرو شده‌اند. همچنین تفاوت سیاست خارجی ایران با دیگر دولت‌ها در مسائلی همچون سیاست و رفتار منطقه‌ای ایران مانند حمایت این کشور از یارهای غیردولتی‌ای مثل حشدالشعبی در عراق، حزب‌الله در لبنان، و انصارالله در یمن و همچنین حمایت تمام‌عیار ایران از دولت بشار اسد در سوریه نیز دیده می‌شود. این تفاوت البته در صرف استفاده ایران از نواب نیست که امری رایج است، بلکه در ماهیت ایدئولوژیک این سیاست و در جزئیات آن است.

در این پژوهش تلاش خواهیم کرد که عامل یا عوامل تکوین‌بخش به این تفاوت در گفتمان سیاست خارجی ایران را تبیین کنیم. چرا سیاست خارجی ایران در سال‌های پس از انقلاب متفاوت بوده است؟ و به طور مشخص، آیا استثنانگرایی^۵ ایرانی در این تفاوت موثر بوده است و استثنانگرایی در گفتمان سیاست خارجی ایران قابل تشخیص است - یا به زبانی دیگر، آیا تفاوت رفتار ایران در سیاست خارجی نمودی از استثنانگرایی است؟ آیا جناح‌ها و رویکردهای سیاست خارجی بر استثنایی بودن ایران توافق دارند، یا این امر مورد اختلاف است؟

^۱ George H. W. Bush

^۲ Bill Clinton

^۳ Barack Obama

^۴ Donald Trump

^۵ Exceptionalism

استثناگرایی باور به تفاوت یا برتری یک دولت به علت ویژگیهای خاص آن است. در بسیاری از موارد باور به استثناگرایی با باور به یک رسالت یا نقش تاریخی خاص برای آن دولت همراه است. استثناگرایی معمولاً در ارتباط با آمریکا مطرح می‌شود. مک‌کریسکن^۱ درباره استثناگرایی آمریکایی معتقد است این باور که ملت آمریکا هدف و نقشی ویژه در تاریخ بشر دارد همواره در سیاست خارجی این کشور بروز عملی و عینی داشته است. این باور حتی در ساختار بوروکراتیک سیاست خارجی آمریکا همواره خود را نشان داده است. او یک مثال در این زمینه را رفتار آمریکا در جنگ ویتنام میداند، و این واقعیت که آمریکا به علت تصور خود از موقعیتش که استثنایی می‌دانست قادر به پذیرش شکست نبود و بنابراین خروج آمریکا از ویتنام بسیار به تأخیر افتاد (McCrisken 2003: 1-2).

اما در عین حال شکی نیست که استثناگرایی منحصر به سیاست خارجی آمریکا نیست، به گونه‌ای که بسیاری از متخصصان مثل نیکولا نایلم^۲ (Nymalm 2018: 1) استدلال کرده‌اند که استثناگرایی در گفتمان‌های سیاست خارجی همه ملت‌ها یافت می‌شود. به همین دلیل گفتمانها و رویکردهای سیاست خارجی کشورهای دیگری هم از زاویه استثناگرایی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، مثل ژاپن، اسرائیل، بریتانیا، چین، و هندوستان. این مطالعات محدود به سیاست خارجی رسمی هم نمانده‌اند و رویکردهای بعضی گروههای جدایی طلب در کشورهای مختلف و برخی جنبش‌های حقوق مدنی هم از این منظر مطالعه شده‌اند. برای مثال، نوریتا ماتسودا^۳ معتقد است که کشور ژاپن تا پیش از جنگ جهانی دوم در کی مذهبی از جایگاه خود در جهان داشت، و این استثناگرایی مذهبی به شکل انزواگرایی افراطی در قرن هجدهم و سپس به شکل فاشیسم در قرن بیستم ظهور کرد. اما به رغم شکست و نابودی تقریبی این ایدئولوژی مذهبی سیاسی، استثناگرایی ژاپنی هم‌اکنون نیز به شکلی سکولار بازتولید شده است؛ برای مثال حزب محافظه‌کار ژاپن رشد بسیار سریع اقتصاد ژاپن در دهه ۱۹۷۰ را نتیجه شخصیت ملی و ویژگی‌های استثنایی مردم این کشور می‌داند (Matsuda 2003). منظور از آوردن این مثال این است که در مورد تمام یا بیشتر کشورها می‌توان به نوعی از استثناگرایی آن‌ها سخن گفت.

^۱ Trevor B. McCrisken

^۲ Nicola Nymalm

^۳ Norita Matsuda